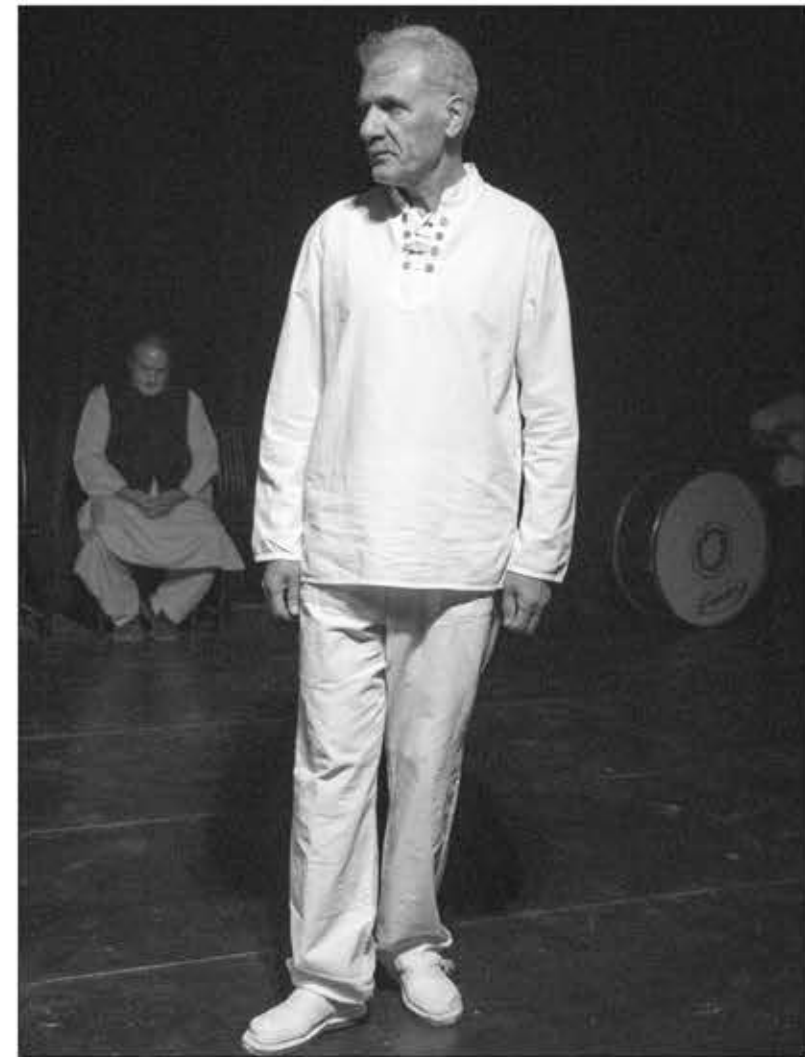


یدالله آقا عباسی، کارگردان تئاتر «منم میرزا رضا» در گفت‌وگو با استقامت مطرح کرد

# بیان هنری از تاریخ کرمان



رضا شمس

یدالله آقا عباسی نیاز به معرفی ندارد. لاف‌لاف برای مخاطبان ما نیاز به معرفی ندارد و من در این ادعا تردید ندارم، به همین خاطر از معرفی او می‌گذرم و تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که بگویم: این چهره فعال عرصه تئاتر و تالیف و ترجمه و تدریس، در حال حاضر

افشین درمبختش در دیدار با علاقه‌مندان هنرهای تجسمی در کافه گالری آزاد:

## از هنر جهان عقب افتاده‌ایم

مهرداد خرسند

گروه فرهنگ و هنر - یکشنبه گذشته کافه گالری آزاد نشستی را با حضور افشین درمبختش مدیرعامل شرکت «آرت کانسپت» و مدیرعامل گالری «پرکت» در کشور آلمان برگزار کرد. درمبختش البته به کرمان آمده بود تا نمایشگاه «تونی کرگ» در موزه هنرهای معاصر کرمان را جمع کند و آثار را به آلمان برگرداند. نمایشگاهی که او و همکارانش از عوامل اصلی برگزاری آن بودند. در این بین شیما هاشمی و رحیم بنی‌اسد آزاد فرصت را مغتنم دانسته و از این فعال بین‌المللی در حوزه هنرهای تجسمی دعوت کرده بودند تا در گالری آنها حضور پیدا کند، بلکه از این طریق بین او و علاقه‌مندان فرصت گفت و گویی فراهم شود. اگرچه در این نشست تعدادی از استادان هنرهای تجسمی و دانشجویان رشته‌های مختلف این حوزه و دیگر هنرمندان و همچنین سرپرست موزه هنرهای معاصر کرمان حضور داشتند، اما متأسفانه و علیرغم حضور این عزیزان، جلسه خالی به نظر می‌رسید.

### مطالبه ما ارتباط فرهنگی را فراهم می‌کند

از این مقدمه که بگذریم، آن شب افشین درمبختش با تعدادی از علاقه‌مندان هنرهای تجسمی دیدار کرد و به پرسش‌های آنان پاسخ گفت. او از هر دری سخن گفت؛ از جمله از بعضی امکانات حرف زد که می‌تواند محقق شود؛ مثل ارتباط فرهنگی بین شهرهای ایران از جمله کرمان با شهرهای آلمان، یا مراوده‌ی فرهنگی هنرمندان ایرانی و آلمانی با یکدیگر از طریق راه‌اندازی اردوهای هنری، و یا ارتباطات آکادمیک بین دانشگاه‌ها.

درمبختش به تقاضای رییس دانشکده هنر و معماری صیای کرمان هم اشاره کرد که از او خواسته تا در صورت امکان مراوداتی را با دانشگاه هنر «دوسلدورف» آلمان رقم بزند. او گفت: مقدمات این کار هم تا حدی فراهم شده اما آنچه کار را پیش خواهد برد و اجرایی خواهد کرد، مطالبه و پیگیری

جدی ما از اینسو است. مدیرعامل گالری پرکت که به دلیل حرفه‌اش، تا حد مطلوبی با هنرمندان معاصر جهان در رشته‌های مختلف تجسمی آشنا است، در این جلسه که پرسش یکی از حاضرین در این جلسه که پرسید: وضعیت و موقعیت هنر ما در جهان معاصر چیست؟ گفت: دوست ندارم به این پرسش پاسخ گویم چون ممکن است بر ذهن و ضمیر هنرمندان جوان هم‌وطن‌مان تاثیر منفی

در صورتیکه جمعی از هنرمندان کرمانی بخواهند به آلمان سفر کنند و موزه ها را ببینند و با هنرمندان این کشور دیدار کنند، می‌تواند بستر این کار را فراهم کند و تاکید کرد که برای این کار هر چه از دستش برآید انجام می‌دهد. این فعال فرهنگی از سفر ۳۵ نفر از هنرمندان و مدیران ایرانی به آلمان یاد کرد که در گذشته با همکاری او و موزه هنرهای معاصر تهران صورت گرفته است.



آن تردیدی نیست، حرف نمی‌زنم. بلکه هنر معاصر کشور را مد نظر دارم که به روز نیست.

### از موزه‌های جهان دیدن کنیم

درمبختش، سیستم آموزشی و دانشگاهی کشور را دلیل این عقب‌افتادگی دانست و به همین دلیل به استادان، هنرجویان و مدیران فرهنگی توصیه کرد تا از موزه‌های هنر جهان دیدار نمایند.

### فضای مجازی ارتباطات هنری در جهان را دگرگون کرده

افشین درمبختش در بخش دیگری از صحبت هایش به فضای مجازی به عنوان یک امکان جدید برای ارتباط هنرمندان کشورهای مختلف با یکدیگر هم اشاره کرد و گفت: فضای مجازی ارتباطات هنری در

فرصت‌های من محدود است و به همین دلیل بیشتر به موضوعاتی که می‌گویید محدود شده.

در کل فکرمی‌کنم این دغدغه، هم فردی است، هم اجتماعی. اما علاقه و سلیقه‌ی شخصی نیست، به گمان خودم هرچه که انتخاب می‌کنم این قابلیت را دارد که بسط پیدا کند؛ یعنی تنها و فقط در چارچوب تاریخ کرمان نکتند و از آن فراتر برود. معتقدم اینها تجربه‌هایی است که می‌توان آن را بسط داد و همیشه و برای همه قابل استفاده هستند.

**شخصا برداشتم در مواردی این بود که شما می‌خواهید بخش‌های کمتر دیده شده‌ی تاریخ کرمان را پررنگ کنید؟**

نه نه. اصلا به این شکل که می‌گویید، نبوده بیشتر آن چیزی که در نظرم بوده حرفی است که ضرورت دارد بیان شود. هنر برایم محمل بیان است. منتها برای بیانش از محمل تاریخ کرمان استفاده کرده‌ام.

از این منظر، یک وقت از محمل ترجمه استفاده می‌کنم، وقتی دیگر از محمل قصه، حتی به نمایش خارجی هم به عنوان یک محمل نگاه کرده‌ام.

**در نمایشنامه «منم میرزا رضا» تا چه حد به شخصیت واقعی و تاریخی میرزا رضا وفادار بوده‌اید و چقدر دراماتیزه کردن کار برایتان مهم بوده؟**

هر دو مهم بوده. شخصیت میرزا رضا را می‌توانید مستند ببینید و در بیشتر مواد هم واقعی است، بخش‌های خیلی کمی از آن ممکن است در جهت داستانی کردن باشد، یا حتی ممکن است واقعیاتی باشد که بر مبنای صحبت‌های دیگران درباره میرزا رضا تصویر شده، یا بعضا از حوادثی که این طرف و آن طرف نقل شده، استفاده شده باشد؛ که البته این بخش‌ها به خاطر داستانی کردن متن بوده.

بنابراین آنچه به عنوان میرزا رضا نشان داده می‌شود، تا حد زیادی مستند به گزارشات واقعی است. کلیت نمایشنامه هم بخشی بر اساس استنتاج از میرزا رضا است که متن آن موجود است و بخشی هم بر مبنای

تجزیه‌ای است که برای کشته شدن ناصرالدین شاه نوشته‌اند، که البته ما در این نمایشنامه پشت پرده‌ی آن را تصویر می‌کنیم نه خود آن تجزیه را.

**یعنی شبیه خوانی به کار رفته در نمایشنامه هم هم مستند به واقعیت تاریخی است؟**

بله. واقعیت تاریخی است. اما آنچه ما در این نمایش می‌بینیم خود آن شبیه خوانی نیست. شعرها مال همان شبیه خوانی است اما روایت کلی از تمرین پشت صحنه است و شخصیت‌های ناظر بر شبیه خوانی خیالی‌اند. و اما اکنون؛ اگر اجازه دهید یکی دو پرسش هم از شیوه کارگردانی شما بپرسم؛ می‌دانیم که شخص میرزا رضای شاه شکار در واقعیت تاریخ، لهجه‌ی کرمانی داشته که مورد تمسخر ظل السلطان هم واقع می‌شود و در متن خود شما هم به آن اشاره شده، پس چرا در اجرا از لهجه استفاده نشده؟

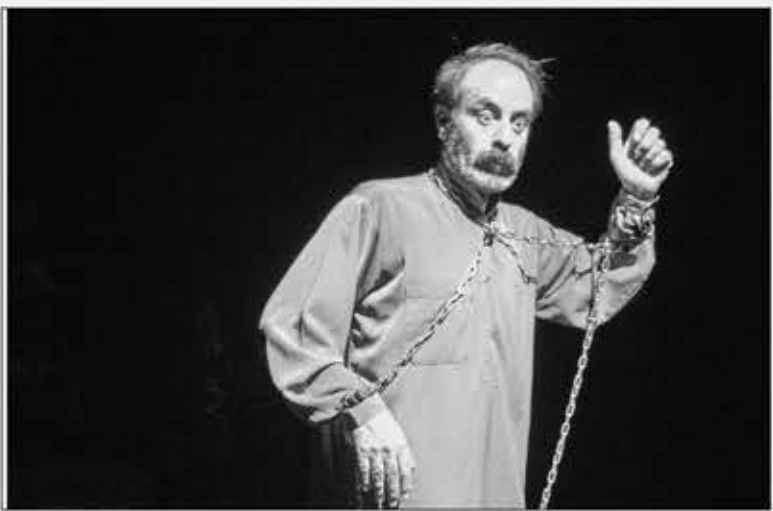
**در استفاده از لهجه معتقد به همان حرفی هستیم که برشت می‌گوید: ما لحن‌هایی از لهجه را به کار می‌گیریم. لحن‌هایی از لهجه، یعنی بعضی از اصطلحات، و بعضی از آواهای یک لهجه. الان در همین نمایش مورد بحث ما، اگر بخواهیم از لهجه استفاده کنیم، کاراکتر میرزا رضا دیگر قابل تعمیم نیست**

از لهجه استفاده نشده اما از لحنی از لهجه استفاده شده.

توجه کنید که در کل نظر من این است - که البته خیلی نظر شخصی هم نیست و یک مسأله‌ی فنی است - که ما بهتر است از لحن‌هایی از لهجه استفاده کنیم، نه اینکه تمام و کمال از لهجه استفاده کنیم. مگر در نمایش‌های خاص، مثل نمایش‌های

نگاهی به نمایش منم میرزا رضا به کارگردانی یدالله آقا عباسی

## شب تردید میرزا رضا



یک فرم به رخ می‌کشد. ما با پشت پرده این تجزیه سر و کار داریم و مدام با نحوه یا چگونگی خواندن شبیه‌خوان‌ها دچار چالش می‌شویم. مثلا می‌بینیم که نایب السلطنه به غریبی خواندن شبیه‌خوان میرزا به این دلیل اعتراض می‌شود که نحوه‌ی غریبی‌خوانی را اشک درآورد می‌داند و می‌پندارد: مردم نباید برای یک قاتل، شقی مثل میرزا رضا اشک بریزند.

ما در نمایش مورد بحث، تجزیه را به عنوان یک فرم نمادین، با زائر نمایش واقع‌گرایانه‌ی که بازنمایی استنتاج است در هم می‌آمیزد. آقا عباسی می‌خواهد کلیشه میرزا رضا را بشکند. نگاه به میرزا رضای کرمانی از ۳ جهت کلیشه‌است: گروهی او را تروریستی می‌دانند که نظم قابل اصلاح مملکت را که در هیات شاه منجلی بوده است، از بین برده و مسیر خشونت را هموار کرده است. گروهی دیگر او را فردی شجاع می‌دانند که بر حسب ضرورت تاریخی لذت‌های ریشه‌ی ظلم را برکنده و مسیر مشروطه را هموار کرده است. منم میرزا رضا این هر دو نگاه کلیشه‌ای را به چالش می‌کشد و شب تردید میرزا رضا را روایت می‌کند و با این کار هر ایرانی را به چالش می‌کشد. اصلا «منم میرزا رضا» می‌خواهد بگوید هر ایرانی میرزا رضا است که باید در کلیشه‌ی خود شک کند.

رضا شمس - در این تردیدی نیست که می‌توان نمایش «منم میرزا رضا» را از زوایای مختلف مورد واکاوی قرار داد. مثلا می‌توان بر میرزا رضای کرمانی شاه‌شکار به عنوان یک شخصیت واقعی تمرکز کرد و نمایش را روایتی مستند از زندگی او دانست و تبعات قتل ناصرالدین شاه بر زندگی او را تفسیر کرد.

از این منظر نمایشنامه عبارت می‌شود از داستان واقعی زندگی میرزا رضا که باید صحت و سقم آن را با واقعیت تاریخی محک زد. مخصوصا اگر بدانیم شبیه‌خوانی به‌کار گرفته شده در این نمایش هم مبتنی بر یک واقعیت تاریخی است که رجال حکومتی آن دوره گروهی تجزیه گردان را واداشتند که تجزیه قتل شاه شهیدا را اجرا نمایند. برای من اما آنچه تماشای این تئاتر را به مثابه یک اثر هنری لذت بخش می‌کند، (۱) بازی با ۲ فرم نمایشی است که از یک واقعیت تاریخی لذت هنری می‌آفریند؛

(۲) همچنین بیان تردید شخصیت اصلی نمایش که روایت را از یک نقل خطی و افقی به ساخت یک داستان عمودی و عمقی برمی‌کشد.

آقا عباسی، در بخشی از نمایشنامه خود، تجزیه را نه به عنوان یک واقعیت تاریخی با ایزاری برای روایت واقعیت که به عنوان